

مؤلفه‌های سیاسی - اجتماعی مؤثر در رسمیت یافتن قرائت‌های هفتگانه

فروغ پارسا

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

چکیده: پس از رحلت پیامبر، عواملی همچون اختلاف نقل شفاهی قرآن، اختلاف لهجه‌ها، اختلاف مصاحف، تجرید مصاحف از قوائد املائی - قرایی و اموری دیگر سبب پیدایش اختلاف قراءات قرآن شد. اختلاف قرائت و اندیشه‌درستی و نادرستی قرائت‌های مختلف و معیارهای مربوط به آن نیز به نوبه خود انگیزه پیدایش علم قرائت شد. قاریان در سرزمین‌های مختلف جهان اسلام با بهره‌گیری از علوم نحو، حدیث، فقه و تفسیر به اجتهاد قرائت‌های مختلفی از قرآن ابداع کردند؛ تا در نهایت در قرن چهارم هجری ابن مجاهد قاری بغداد، با استفاده از منصب شیخ‌القرایی و نفوذ سیاسی، توانست هفت قرائت از پنج سرزمین مهم را رسمیت بخشد و قرائت‌های دیگر را غیرجایز و شاذ اعلام کند. افزون بر نفوذ سیاسی، شخصیت علمی و زیرکی و فراست ابن مجاهد در بهره‌گیری از شرایط ویژه قرن چهارم و نیز موقعیت فرهنگی شهر بغداد و سابقه قرایی شهر کوفه از مؤلفه‌های مؤثر در رسمیت یافتن قرائت‌های هفتگانه بود.

کلید واژه‌ها: تاریخ قرآن، تاریخ قرائت، تاریخ اسلام، ابن مجاهد، قاریان، قاریان هفتگانه.

مقدمه

بی‌تردید رسول اکرم صلی الله علیه و آله نخستین قرائت از قرآن کریم را همزمان با نزول آیات آن در

غار حرا انجام داده‌اند، ولی تاریخ پیدایش علم قرائت ادوار مختلفی را به خود دیده است. پس از پیامبر، صحابه مسئولیت آموزش قرائت قرآن را بر عهده می‌گیرند که البته در این ویژگی همه اصحاب در یک مرتبه قرار نگرفته‌اند.

بر مبنای گزارش‌های تاریخی برخی از اصحاب از جمله علی رضی الله عنه، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود در زمان پیامبر مشهور به روایت قرائت قرآن بوده‌اند که هم ایشان بعدها محور وجوه مختلف قرائت شدند. به همین ترتیب در طبقه بعدی یعنی صفار صحابه^۱ امر آموزش قرائت ادامه می‌یابد. با گسترش سرزمین‌های اسلامی و افزونی شمار مسلمانان غیر عرب که تمایل به فراگیری قرآن دارند، دامنه فعالیت مقرئین قرآن گسترش می‌یابد. از سوی دیگر، عواملی همچون اختلاف نقل شفاهی قرآن، اختلاف لهجه‌ها، اختلاف مصاحف و علل دیگر موجبات پیدایی قرائت مختلفی از قرآن در محافل علمی را فراهم می‌کند. چنان‌که از قرن دوم بدین سو عالمان با مصروف کردن اهتمام خود به امر قرائت دست‌اندرکار ساماندهی و انسجام علم قرائت شدند. در جریان فراز و نشیب‌های علم قرائت، رسمیت یافتن قرائت‌های هفتگانه در اوایل قرن چهارم هجری بسیار در خور توجه است. این نظریه را نخستین بار قاری معروف بغداد، ابن مجاهد بغدادی (د. ۳۲۴ ق) مطرح کرد، ضمن این‌که با انتقادهایی از سوی قاریان مواجه شد موجب تحولی عظیم در این علم شده است.

بررسی شخصیت علمی - سیاسی ابن مجاهد و تا حدودی بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوران وی و تبیین مؤلفه‌های مؤثر در رسمیت نظریه قرائت سبع موضوع اصلی این تحقیق است. البته پیش از ورود به بحث سیر تحول علم قرائت و تحدیدگرایی در آن به اجمال تبیین شود.

۱. مروری بر تاریخ پیدایش علم قرائت و تحول آن

از هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخستین بار فرمان قرائت قرآن را از فرشته وحی دریافت کرد تا زمانی که علم قرائت شکل منسجم و یکپارچه‌ای به خود گرفت قطعاً

۱. صفار صحابه اصطلاحی است که برای اصحاب کم سن و سال پیامبر به کار برده می‌شود.

ادوار مختلفی سپری شده است. و البته قرائت به معنای تلاوت و خواندن قرآن با علم قرائت در مقام علمی که از کیفیت ادای کلمات قرآن بر مبنای روایات مربوطه بحث می‌کند (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱؛ ۱۳۵۰: ۳) تفاوت دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از دریافت وحی، فرمان قرائت آن برای دیگران را دریافت کردند (اسراء: ۱۰۶) و قرآن را به اصحاب آموزش دادند. به رغم این که احادیثی مبنی بر چند گونه بودن قرائت قرآن از سوی پیامبر نقل شده ولی پژوهشگران با نقد این روایات مدلل می‌دارند که اختلاف قرائت مربوط به دوران پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده و این گونه احادیث در دوران‌های بعدی بر ساخته شده‌اند (معارف ۱۳۷۴: ۱۳). در مرحله بعد صحابه به نوبه خود، پس از فراگیری قرآن آن را به دیگران آموزش می‌دهند. در همان حال عده‌ای از اصحاب که علاقه‌مندی بیش‌تری به تلاوت و حفظ قرآن داشته و به این امر مشهور بودند، از سوی دیگران مورد رجوع قرار می‌گیرند.

می‌توان تصور کرد که اختلاف قرائت و هسته اولیه پیدایش علم قرائت از این‌جا ناشی شد که برخی اصحاب با تشکیل حلقه آموزش و قرائت قرآن، بر مبنای مصحف‌های خود قرائت خاصی از قرآن ارائه دادند. ذهبی، اُبی بن کعب، عبدالله بن مسعود، عویم‌بن زید، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابوموسی اشعری و زید بن ثابت را در شمار استادان این حلقه‌ها نام می‌برد (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۱-۳۷).

بعضی از همین افراد در مقام معلمان قرآن به بلاد مختلف روانه شدند. به همین سبب است که بین قرائت قرآن در شهرهای مختلف اختلاف حاصل می‌شود. گفته شده همین اختلاف، خلیفه سوم را ناگزیر از تدوین مصحف رسمی و سوزاندن مصاحف مختلف کرد. همان مصحفی که به مصحف امام مشهور گشت و به بلاد مختلف فرستاده شد. (بخاری ۱۳۷۸: ج ۶، ۵۸۱). در این‌جا باید به‌طور ضمنی اشاره کرد که روایات مربوط به توحید مصاحف از جانب عثمان با هم همخوانی ندارند و در جزئیات گاهی متفاوت به نظر می‌رسند چنان‌که برخی از دانشمندان شیعه (خویی ۱۳۶۰: ج ۱، ۳۵۰-۳۳۶) و نیز شرق‌شناسان بدان اشاره داشته‌اند (Casanova 1981: 103- 115; Motzki 1978: 8). با این همه توحید مصاحف عثمان نیز نتوانست مسئله اختلاف قرائت را از بین ببرد.

در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم علم قرائت شکل می‌گیرد، و استادان قرائت با ضبط و نقد روایات مربوط به قرائت و گزینش روایات صحیح قرائت ویژه‌ای به مردم عرضه می‌دارند. چنان‌که نافع، قاری مدینه می‌گوید «من قرآن را بر ۷۰ نفر از تابعین قرائت کردم و از میان آن‌ها فقط قرائتی را که حداقل دو نفر از تابعین درباره آن‌ها توافق نظر داشتند اختیار و بقیه را رها کردم» (مکی بن ابی طالب [پی‌تا]: ۴۵). به این ترتیب در بوم‌های مختلف جهان اسلام افرادی در مقام استاد قرائت مشهور بودند و مردم قرائت آن‌ها را فرا می‌گرفتند. به طور خاص قاریانی که ابن مجاهد آنان را به عنوان قراء سبعه گزینش کرد متعلق به این دوره، یعنی اواخر قرن اول و اواسط قرن دوم هستند.

۱. ابو عمرو بن علاء مازنی بصری (د. ۱۵۴ ه. ق) قاری بصره، ۲. حمزه بن حبیب زیات کوفی (د. ۱۵۶ ه. ق) قاری کوفه، ۳. نافع بن ابی نعیم مدنی (د. ۱۶۹ ه. ق) قاری مدینه، ۴. ابن عامر، عبدالله بن عامر یحصبی (د. ۱۱۸ ه. ق) قاری شام، ۵. عبدالله ابن کثیر مکی (د. ۱۲۰ ه. ق) قاری مکه، ۶. عاصم بن ابی النجود (د. ۱۲۸ ه. ق) قاری کوفه؛ ۷. کسایی، علی بن حمزه (د. ۱۸۹ ه. ق) قاری کوفه.

این افراد در زمان خودشان در مقام قاریان هفتگانه گزینش نشده بودند، بلکه در عرض قاریان دیگر قرائتی داشتند. بر مبنای گزارشی مشهور یحیی بن یعمر (د. ۸۹ ه. ق) نخستین کسی است که در این دوره به تألیف درباره قرائت پرداخته است (سزگین ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۷) برخی نیز ابان بن تغلب (د. ۱۴۱ ه. ق) را اولین مؤلف در این علم دانسته‌اند (سید حسن صدر [پی‌تا]). ابان بن تغلب از اصحاب امام صادق است که کتابی در قرائت دارد (ابن ندیم ۱۳۶۸: ۴۰۳؛ طوسی ۱۳۵۱: ۶). ابن خالویه در کتاب *المختصر فی شواذ القرآن* قرائت وی را ضبط کرده و ابن جزری نیز وی را معرفی کرده است. (۱۹۳۲: ج ۱، ۴).

قرن سوم کار تألیف و تدوین در قرائت گسترش می‌یابد. آثار علم قرائت در این دوره جمع‌آوری شده است. (سزگین ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۷-۴۹؛ فضلی [پی‌تا]: ۴۵-۴۰؛ اندلسی ۲۰۰۰: ۱۶). باید توجه داشت جریان اختیارگرایی در قرائت نیز در این دوره آغاز می‌شود. از سوی دیگر، با شکل‌گیری علم نحو در قرن سوم، قواعد نحو در علم

قرائت راه می‌یابد و معیار مطابقت قرائت با دستور زبان عربی پدید می‌آید. تألیفات ابو عبید قاسم بن سلام (د. ۲۲۴ ه. ق) و ابوحاتم سجستانی (د. ۲۵۵ ه. ق) نمونه‌ای از آثار برجسته قرآنی در این دوره است که در آن به کاربردهای نحو در قرائت می‌پردازد و نیز هر دو دارای اختیار در قرائت هستند. ابن جزری می‌گوید ابو حاتم اولین کسی است که در قرائت تألیف کرد و به اختیار در قرائت روی آورد (ابن الجزری ۱۹۳۲: ج ۱، ۳۲۰). اختیار ابوحاتم از نظر گرایش مکتبی در زمره قرائت بصری است. (حاج منوچهری ۱۳۷۲: ج ۳۱۲، ۵). همچنین ابن جزری پس از تمجید از ابو عبید خاطر نشان می‌سازد که وی اختیار در قرائت داشته است. (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱۸، ۲). در شمار نحویان نامدار دیگری که تألیفاتی در قرائت داشته‌اند می‌توان از ابن قتیبه دینوری (د. ۲۷۶ ه. ق) نام برد. (آذرنوش ۱۳۷۰: ج ۴۵۹، ۴-۴۵۷) قرائت خلف بن هشام (۱۵۰-۲۲۹ ه. ق) یکی از قرآنی‌ها را نیز به دلیل مخالفت با حمزه در برخی حروف، اختیار دانسته‌اند (ابن جزری ۱۹۳۲: ج ۱، ۲۷۴؛ ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۱۷۱).

۲. تحدیدگرایی در قرائت

در اوایل قرن سوم پس از آن که در بوم‌های پنجگانه مکه، مدینه، کوفه، بصره و شام قرائت‌های قاریان گوناگون شکل گرفت، امامان قرائت حرکت تحدیدگرایی قرائت را آغاز کردند و به جمع‌آوری قرائت معتبر پرداختند. ابن جزری می‌گوید که ابو عبید قاسم بن سلام نخستین کسی است که در کتاب خود حدود سی نوع قرائت را برشمرد. پس از وی احمد بن جبیر انطاکی (د. ۲۵۸ ه. ق) در تألیفی قرائت پنج قاری از شهرهای مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام را که مهد قرائت بوده‌اند گرد آورد. پس از وی قاضی اسماعیل بن اسحاق مالکی (د. ۲۸۲ ق) مصاحب قالون کتابی در قرائت نوشت و بیست نفر از قاریان برجسته را معرفی کرد. ابوجعفر محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ ق) نیز کتابی با عنوان الجامع تألیف کرد که بیش از بیست قرائت در آن معرفی شده است. همچنین ابوبکر محمد بن احمد بن عمر داجونی (د. ۳۲۴ ق) که معاصر ابن مجاهد است در کتابی ده نوع قرائت را جمع‌آوری کرد (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۳۴).

ولی هیچ یک از این حرکت‌ها نتوانست در جریان تحدید قرائت مؤثر واقع شود و قرائت مختلف در گوشه و کنار شکل می‌گرفت.

۳. رسمیت یافتن قرائت هفتگانه و عوامل مؤثر در آن

باید دانست در اوایل قرن چهارم ابن مجاهد (۳۲۴-۲۴۵ ه. ق) قاری بزرگ بغداد نخستین بار نظریه قرائت هفتگانه را مطرح و آن را رسمیت بخشید به این ترتیب که قرائت قراء سبعة را لازم‌الاتباع عنوان کرد و قرائت دیگر را جایز ندانست (فضلی [بی تا]: ۶۴-۵۸).

طبعاً حرکت تحدیدگرایانه ابن مجاهد در محافل علمی بوم‌های مختلف بازخوردهای متفاوتی در پی داشت. در بوم‌های عراق و ایران که قرائت و تألیفات مربوط به آن توسعه‌گرا بود و به اختیار گرایش داشت، قراءات سبعة نوعی تحدید تلقی می‌شد به همین دلیل مخالفت‌هایی از جانب عالمان آن نواحی اعلام شد ولی در غرب جهان اسلام، یعنی مصر و اندلس و افریقه که تا قرن چهارم فقط قرائت نافع به روایت و روش مصری رواج داشت قرائت سبعة توسعه‌گرایی تلقی می‌شد. ابن جزری می‌گوید در اندلس و بلاد غرب تا اواخر قرن چهارم هیچ یک از این قرائت متداول نبود و اولین کسی که علم قرائت را به اندلس شناسانید ابو عمر طلمنکی (د. ۴۲۹ ه. ق) صاحب کتاب الروضة بود (همان). از سوی دیگر باید توجه داشت پس از فروپاشی حکومت امویان و ظهور عباسیان، بنی امیه در اندلس مستقر شدند. (حسن ابراهیم حسن ۱۳۶۲: ج ۲۰۷، ۲) به همین دلیل اندلسی همواره می‌کوشید در همه زمینه‌ها از حکومت مرکزی حمایت کند.

به هر رو، ابن مجاهد در مقام شیخ‌الاسلامی بغداد با این مقدمه که کار اختلاف قرائت بالا گرفته است و باید از اجتهاد قاریان در اختیار قرائت جدید جلوگیری کرد قرائت صحیح را قرائت قراء سبعة عنوان کرد و در کتابی به نام السبعة قرای هفتگانه یعنی ابن عامر، نافع، عاصم، ابن کثیر، حمزه، کسایی و ابو عمر بن علا را معرفی کرد و بقیه قرائت‌های شناخته شده را در کتابی به نام الشواذ جای داد. کار ابن مجاهد از چنان

اهمیتی برخوردار شد که محافل قرایی را کاملاً تحت تأثیر قرار داد چنان که از همان نیمه اول قرن چهارم کتاب‌های بسیاری درباره قرائت هفتگانه و ارزش و علل آن تألیف شد. در این میان به نظر می‌رسد کتاب ابن خالویه (د. ۳۷۰ ه. ق) شاگرد ابن مجاهد با عنوان *المحجة في القرائات السبعة* و نیز مؤلفات ابو عمرو عثمان بن سعید دانی اندلسی (د. ۴۴۴ ه. ق) مانند *التيسير في القرائات السبع* بیش از دیگران در رونق و رواج قرائت‌های هفتگانه مؤثر بوده است. (فضلی [بی‌تا]: ۶۲-۵۷). در تبیین عوامل مؤثر در قدرت و استحکام حرکت ابن مجاهد عالمان امور ذیل را بر شمرده‌اند.

شخصیت علمی - قرائی ابن مجاهد

ابوبکر احمد بن موسی بن عباس ابن مجاهد (۲۴۵ ه. ق - ۳۲۴ ه. ق) از شخصیت‌های علمی و قرائی برجسته قرن چهارم است. شخصیت علمی ابن مجاهد از سوی دانشمندان علم قرائت کاملاً تأیید شده است. ذهبی صاحب *معرفة القراء* وی را ثقه و حجت داشته است (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۱۷).

ابن ندیم می‌گوید: «وی فردی یگانه در عصر خود و بی‌رقیب بوده است» (۱۳۶۷: ۵۵). بنا به نظر ابن جزری نام ابن مجاهد تا جاهای دوردست انتشار یافته و در کارش مشهور گشته، او نسبت به همگنان پیشتاز و نسبت به آن‌ها برتر بوده است و باید بر این مزایا دینداری، قدرت حافظه، خیر و برکت وجودش را افزود (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۱۴۲). از نوجوانی در بغداد به تحصیل پرداخت، چنان که از قدیم‌ترین شیوخ او می‌توان احمد بن منصور رمادی (د. ۲۶۵ ق) و نیز سعدان بن نصر و محمد بن عبدالله المخرمی و ابی بکر الصغانی و عباس الدوری را نام برد. از دیگر مشایخ او در قرائت از حسن بن عباس بن مهران، احمد بن ابن خیثمه، حارث بن ابن اسامه، محمد بن یحیی کسایی صغیر، عبدالله بن احمد بن حنبل و احمد بن یحیی ثعلب می‌توانند باشند. (خطیب بغدادی ۱۳۴۹: ج ۵، ۱۴۵) مهم‌ترین استاد ابن مجاهد در قرائت ابوالزعراف عبدالرحمن ابن عبدوس (د. بعد از ۲۸۰ ق) است که بارها قرآن را به قرائت نافع، ابو عمرو، حمزه و کسایی نزد او ختم کرده بود (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۳۷۴). وی

همچنین در سفر حج قرائت ابن کثیر را از محمد بن عبدالرحمن قبل در مکه فراگرفت. (همان: ج ۱، ۱۴۰). ابن مجاهد حتی از هم طبقه‌های خود چون محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ ه. ق) و ابوبکر داجونی (د. ۳۲۴ ق) استفاده کرده است (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۳۴).

در نظرگاه ابن جزری هیچ یک از استادان قرائت به اندازه ابن مجاهد دانشجو و شاگرد نداشته است و راجع به ازدحام شاگردان وی در کلاس‌هایش مطالب بسیار آمده است. ابن حزم حکایت می‌کند که در بغداد در حلقه درس ابن مجاهد ۳۰۰ نفر از مصادر علم قرائت حضور پیدا می‌کردند و نیز علی بن عمر می‌گوید: چهار صد و هشتاد نفر از استادان در کلاس درس او حضور داشتند. (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۱۴۲). ابن خالویه، ابوسعید سیرافی، احمد بن نصر شدایی، ابن حبش حسین بن محمد، محمد بن عبدالله بن اشته، ابو عیسی بکاربن احمد، ابوطاهر عبدالواحد بن عمر بزاز و ابوالفضل شیبانی را در شمار شاگردان مشهور ابن مجاهد می‌توان برشمرد (خطیب بغدادی ۱۳۴۹: ج ۵، ۱۴۶-۱۴۵). در جمع روایت‌کنندگان حدیث از وی بزرگانی چون: ابوالحسن دارقطنی، ابو حفص ابن شاهین، ابوبکر بن جعابی و ابو حفص کتانی شایان توجه‌اند (همان جا).

نفوذ سیاسی - اجتماعی ابن مجاهد

ابن مجاهد شیخ القرای بغداد بوده است. بی‌تردید یکی از عواملی که در رسمیت یافتن نظریه قرائت‌های هفتگانه مؤثر افتاد شخصیت اجتماعی و نفوذ سیاسی ابن مجاهد بود. (معرفت ۱۳۹۷: ج ۲، ۳۲۹). پارت، قرآن پژوه آلمانی می‌نویسد: با توحید مصاحف عثمان، آزادی انتخاب درباره قرائت محدود شد ولی به کلی ممنوع نشد تا این که ابن مجاهد در نیمه اول قرن چهارم با حمایت سیاسی حکومت این ماجرا را به نتیجه منطقی رساند و قرائت غیررسمی را متوقف کرد (Paret 1986: 5, 127).

ابن مجاهد معاصر با الرازی بالله خلیفه عباسی است. می‌توان گفت دوران خلافت الرازی بالله دوران ضعف خلافت عباسیان است. بنا بر تصریح مورخان، ضعف خلافت بغداد به مردم نالایق فرصت می‌داد که مناصب بزرگ را خرید و فروش کنند. الرازی

خلیفه عباسی کار دولت را به وزیرانی داده بود که منصب خویش را به مال خریده بودند (حسن ابراهیم حسن ۱۳۶۲: ج ۳، ۳۹۵).

در این بین، ابن مجاهد با ابن مقله وزیر خلیفه عباسی و دیگر درباریان نزدیکی داشته است. یاقوت حموی می‌نویسد: «ابن مجاهد به سران حکومت نزدیکی بسیار داشته یعنی از مقربان دربار بوده است. وی نامه‌ای به هلال بن بدر (یکی از درباریان) نوشت و از وی راجع به چیزی درخواستی کرد وقتی نامه به هلال رسید درخواست او را بیش‌تر از نیازش برآورده ساخت» (یاقوت حموی ۱۹۲۴: ج ۲، ۱۱۹).

به هر رو، نزدیکی ابن مجاهد به سران حکومت از وی فردی بانفوذ ساخته بود چنان‌که وی توانست در حوادث اجتماعی زمان خود مؤثر باشد. برای تأیید این مطلب که وی نفوذ سیاسی زیادی داشته چند ماجرای تاریخی قابل اشاره است.

محاكمه ابن شنبوذ در ۳۲۳ ق.، محاكمه ابن مقسم در ۳۲۲ ق. و ایفای نقش مؤثر در محاكمه حلاج پیش از ۳۰۹ ق. در این مجال به اختصار به هر یک از موارد اشاره‌ای می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

محاكمه ابن شنبوذ (د. ۳۲۸ ق.)

ابوالحسن محمد بن احمد بن ایوب بن الصلت معروف به ابن شنبوذ از قاریان مشهور بغداد بود که از او با القابی مانند: شیخ قراء در عراق، (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۲۱) استاد بزرگ (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۲، ۵۲) و شیخ المقرئین یاد کرده‌اند. ولی این شهرت پس از مرگ وی در میان مورخان و عالمان قرائت حاصل شد. در حالی که وی در عصر خود به سبب اختیار قرائت شاذ و عدول از قرائت مشهور به کثرت خطا و کمی دانش وصف شده است. (ابن ندیم ۱۳۶۷: ۵۵). ابن شنبوذ از این‌که برای فراگیری علم قرائت به بلاد مختلف سفر کرده بود به ابن مجاهد فخر می‌فروخت. ذهبی نیز تأیید می‌کند که ابن شنبوذ بیش از ابن مجاهد استادان این علم را درک کرده است. (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۲۳-۲۲۲) و برخی هم در مقایسه بین آن دو ابن شنبوذ را دانای‌تر از ابن مجاهد و ابن مجاهد را عاقل‌تر از وی دانسته‌اند و نیز ابن جزری به نقل از ابوالفرج المعافی، شاگرد ابن

شنبوذ، قدرت حافظه و احاطه وی به علوم مختلف را ستوده است (ابن جزری [بی تا]: ج ۲، ۵۶-۵۵).

وقتی خبر ترویج قرائت شاذ را ابن شنبوذ به خلیفه عباسی و بنا به نوشته برخی (یاقوت حموی ۱۹۲۴: ج ۱۷، ۱۷۱؛ ابن خلکان ۱۹۴۸: ج ۴، ۳۰۰) به ابن مقله، وزیر او، رساند، او ابن شنبوذ را به خانه خویش احضار کرد، در این مجلس که ابن مجاهد و گروهی از قاضیان و فقیهان بغداد حضور داشتند وزیر در برابر حاضران و شهود به مناظره با ابن شنبوذ برخاست. ابن شنبوذ اتهامات منتسب به خود را پذیرفت و به دفاع از آن‌ها پرداخت و به ترک قرائت شاذ تن در نداد، اما پس از تحمل ۱۰ ضربه شلاق از کردار خود تبری جست و توبه‌نامه‌ای به خط خود نوشت. این وقایع در سال ۳۲۳ هـ اتفاق افتاده است (خطیب بغدادی ۱۳۴۹: ج ۱، ۲۸۱-۲۸۰؛ ابن جوزی ۱۳۵۸: ج ۶، ۳۰۸-۳۰۷). یاقوت حموی به نقل از ابویوسف عبدالسلام قزوینی صاحب کتاب افواج القراء این واقعه را معلول سعایت ابن مجاهد دانسته است (یاقوت حموی ۱۹۲۴: ج ۱۷، ۱۷۱-۱۷۰). گرچه معاصران ابن شنبوذ، بر او خشم گرفتند مورخان پس از وی از او دفاع کرده‌اند. ابوعمر و دانی، به روایات وی در قرائت اعتماد کرده است (دانی ۱۹۳۰: ۱۵). ابوشامه گفته است که ابن شنبوذ اگرچه در آرای خود به راه صواب نرفته است خطای او نباید سبب گردد که احترامش به عنوان یک مقری و عالم پایمال شود (ضیایی ۱۳۷۰: ج ۴، ۸۹)

ذهبی، ابن شنبوذ را توثیق کرده و گوید که او فردی صالح، متدین و در علم قرائت متبحر بوده است (ذهبی [بی تا]: ج ۱، ۲۲۲).

ابن جزری نیز او را توثیق کرده و درباره وی گفته است که هیچ یک از رجال‌شناسان، روایات شاذ وی را سبب جرح و ضعف در عدالت او ندانسته‌اند (ابن جزری [بی تا]: ج ۲، ۵۲ و ۱۲۳). از این توثیقات معلوم می‌شود دشمنی ابن مجاهد با وی دلیلی نداشته است و شاید تنها انگیزه‌های جاه‌طلبانه ابن مجاهد سبب شده بود که شخصیت ابن شنبوذ زیر سؤال برود.

البته گفتنی است که این شنبوذ سازگاری با رسم الخط مصحف عثمانی را شرط قرائت صحیح نمی‌دانست.

محاكمه ابن مقسم

ابوبکر محمد بن حسن بن یعقوب عطار معروف به ابن مقسم (۲۶۵ ق. - ۳۵۴ ق.) وی مقری، مفسر، محدث و نحوی بغداد بوده است. عالمان او را ثقه و یکی از آگاه‌ترین مردم به مکتب نحو کوفی و داناترین ایشان به قرائت مشهور و غریب و شاذ معرفی کرده‌اند. (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۴۸-۲۴۶؛ خطیب بغدادی ۱۳۴۹: ج ۲، ۲۰۶، ابن جزری [بی‌تا]: ج ۲، ۱۲۴). خرده‌ای که بر او گرفتند این بود که در قرائت قرآن در نماز و غیر آن بر این باور بود که می‌توان هر قرائتی را برگزید. به شرط این که با رسم مصحف موافق و از لحاظ لغت و ادب عرب توجیه‌پذیر باشد (خطیب بغدادی ۱۳۴۹: ج ۲، ۲۰۷). اما به گفته ابوحنیفان، ابن مقسم قرائتی از خود نساخته و هر چه قرائت کرده بر اساس روایت و حجت بوده است. (ابوحنیفان توحیدی ۱۹۶۴: ج ۲، ۳۷۸). شیوع نظر ابن مقسم، اهل علم را بر ضد او برانگیخت و در سال ۳۲۲ ق به فرمان خلیفه القاهر بالله، ابن مجاهد بغدادی و چند تن از قضات با وی مناظره کردند و او را به توبه واداشتند و کتاب‌هایش را سوزاندند. ابن مجاهد از خلیفه خواست تا از تأدیب او درگذرد که مورد قبول افتاد ولی ابن مقسم پس از مرگ ابن مجاهد هم‌چنان روش خود را دنبال کرد (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۴۸).

محاكمه حلاج

یکی دیگر از مسائلی که به فربضه قدرت سیاسی ابن مجاهد کمک می‌کند، تأثیر وی در دستگیری و محاكمه منصور حلاج (پیش از ۳۰۹ ق) است. ماسینیون از کسانی است که معتقد است ابن مجاهد در اعدام حلاج نقش مؤثری داشته است.

در نظرگاه ماسینیون در هنگامه‌ای که در ضمن آن حلاج اعدام شد ابوبکر احمد بن موسی بن مجاهد در بین علمای سنی بغداد استاد قرائت بود. ابن مجاهد در پرتو سلطه خود بر وزیران عباسی، ابن عیسی نایب وزیر حامد و به ویژه ابن مقله دولت را وادار به

تصویب دو اصلاح مهم کرد. یکی تثبیت صور مختلفه مجاز در قرائت قرآن عثمان و دیگر تحریم استعمال صور قدیم قرآن که غیر از متن عثمانی باشد. یعنی، مصاحف عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و علی بن ابی طالب را از آن پس تحریم کرد (ماسینیون ۱۳۶۲: ۲۵۳-۲۵۲). ماسینیون، ابن مجاهد را در صف نخستین مخالفان حلاج می‌داند. به نظر وی، قطعه‌هایی از حلاج مضبوط مانده است که شامل چهار شواذ نص قرآن است. غیر از آن ابن مجاهد، حلاج را عامل طریقه‌ای کلی برای قرائت قرآن می‌داند که همانا طریقه صوفیان است، در حالی که خصومت ابن‌مجاهد شامل حال صوفیان دیگر نمی‌شود (همان جا).

به هر تقدیر، خلیفه به ابن عیسی، وزیر خود، دستور داده بود به پرونده حلاج رسیدگی کند و ابن عیسی نیز ابن مجاهد را در جریان محاکمه حلاج وارد کرد. در نخستین دادرسی حلاج به زندان محکوم شد. این پرونده حدوداً هشت سال متوقف ماند و در این فترت ابن‌مجاهد و ابن‌عیسی به دلایلی خود را از این ماجرا دور کردند و در جریان محاکمه حلاج وارد نشدند.

به این ترتیب در خلال اوضاع تاریخی به سه مورد مهم از نفوذ سیاسی ابن مجاهد در جریانات مواجه شدیم که می‌تواند ما را به دریافت یکی از مؤلفه‌های مؤثر در رسمیت یافتن قرائت هفتگانه رهنمون شود.

موقعیت سیاسی - فرهنگی بغداد و مرکزیت آن در مکتب‌سازی قرن چهارم هجری

به طوری که از گزارش‌های تاریخی مربوط به شهر بغداد دریافت می‌شود، این شهر در سده‌های اول و دوم هجری موقعیت فرهنگی - علمی ممتازی نداشته است و در عراق، شهرهای کوفه و بصره مرکز علم و فرهنگ بوده‌اند و این فقط در قرن سوم و چهارم است که بغداد از لحاظ این که مرکز خلفای عباسی و پایتخت ایشان است، موقعیت ممتازی می‌یابد. دانش‌دوستی برخی خلفای عباسی سبب می‌شود، علما و دانشمندان مختلفی به شهر بغداد بیایند و برای خود حلقه‌های درسی ایجاد کنند.

مورخان تصریح می‌کنند که بغداد در نیمه دوم قرن دوم هجری به فرمان منصور عباسی ساخته شد و با صرف هزینه بسیار معمور و آبادان گشت و به سرعت مرکز تجارت و کعبه علم و ادب و هنر شد و تا سال ۶۵۶ ه. ق که مغولان به ویرانی آن پرداختند هم‌چنان رونق و شکوه خود را حفظ کرد (حسن ابراهیم حسن ۱۳۶۲: ج ۲، ۳۱۶).

خلفای عباسی، در دوران اقتدار خود به تعظیم و تکریم علما و دانشمندان پرداختند؛ از این رو، دانشمندان از هر گوشه بلاد اسلامی به بغداد آمدند. کتابخانه‌های بسیار بزرگی در این شهر دایر شد که انگیزه دیگری برای حضور دانشمندان بوده است. دانشوران فرقه‌های مختلف اسلامی از نقاط مختلف دنیای اسلام به این شهر مسافرت کرده، به اخذ علوم و معارف می‌پرداختند. حضور این دانشمندان در بغداد و برخورد آنان با یکدیگر به تدریج موجبات رشد علوم و معارف دینی را در تمام رشته‌ها پدید آورد. فرقه‌های مختلف با نظریات مختلف با صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند (معارف ۱۳۷۴: ۵۲۷). ولی در قرن چهارم هجری در حوزه کلیه رشته‌های علوم اسلامی، جریانی مبنی بر سد باب اجتهاد رواج می‌یابد. همان‌گونه که در فقه، حکم بر این قرار می‌گیرد که مذهب فقهی جدیدی پایه‌ریزی نشود و اهل سنت به همان چهار مذهب باید بسنده کنند در قرائت نیز به نظر می‌آید همین سیاست حاکم است و شخصیت صاحب نفوذی همچون ابن‌مجاهد همت خود را بر این معطوف می‌دارد که از ظهور و بروز اندیشه‌های قرآینی جدید جلوگیری کند و با این عنوان که اختلاف قرائت موجب سرگردانی مردم است چند قرائت خاص را برمی‌گزیند (Welch 1986: 5, 408-409) و در عین حال که در بغداد قاریان دیگری با معیارهای قرآینی دیگر وجود داشتند. همت خود را بر این قرار می‌دهد که به هر وسیله شده حتی با نفوذ سیاسی قضایی، رقیبان را از میدان به در کند و نظریه توقف در هفته قرائت را، رسمیت بخشد.

تأثیر روان‌شناختی گزینش سبع در مقبولیت نظر ابن‌مجاهد

پیش‌تر گفتیم که قبل از ابن‌مجاهد حرکت‌هایی در جهت تحدید قرائت صورت گرفته

بود. ولی معلوم نیست به چه علت ابن مجاهد عدد هفت را برگزیده است. با این که بوم‌های مطرح در قرائت بیش از پنج نبودند، چرا عدد هشت، ده و یا چهارده را مطرح نکرده است. به احتمال ابن مجاهد به این موضوع توجه کرده که عدد هفت همیشه در بین شرقی‌ها عدد خاصی بوده است. چنان که برخی مستشرقان معتقدند که عدد هفت اثر جادویی بر نفوس سامی‌ها دارد (صبحی صالح ۱۳۶۳: ۱۰۴) لذا انتخاب ابن مجاهد بر پایه نوعی روان‌شناسی اجتماعی است. حدیثی هم با این مضمون که «انزل القرآن علی سبعة احرف» بین مسلمان‌ها رواج داشته است و حتی در برخی تفاسیر قرن سوم مانند تفسیر طبری «سبعة / حرف» به هفت قرائت تفسیر شده است. (طبری ۱۹۷۲: ج ۱، ۱۵ به بعد).

به احتمال این حدیث مورد نظر و توجه ابن مجاهد بوده است ولی از آن در کتاب خود نامی نیاورده است اما مردم خیلی زود متوجه این رابطه شدند و همین امر قداست قرائت سبع شد. ابن جزری می‌گوید که جهال فکر می‌کنند احرف سبعة همان قرائت سبعة است و این کار را هفت گرانجام داد که جاهلان را به این طریق سوق داد. (ابن جزری [بی تا]: ج ۱، ۳۶). ولی ابن مجاهد زیرکانه هیچ ذکری از این حدیث نیاورده که مورد انتقاد قرار نگیرد.

تمایلات کوفی گرایانه ابن مجاهد

ابن مجاهد، در گزینش قاریان از هر شهر کسی را برگزید که مردم آن دیار بر قرائت او اتفاق داشتند. چنان که انطاکی نیز از هر شهر یک نفر را برگزیده بود. ولی ابن مجاهد، از بوم کوفه افزون بر قرائت حمزه دو قرائت دیگر یعنی قرائت عاصم و کسایی را نیز اضافه کرد. با این که قرائت غالب در کوفه قرائت حمزه بوده است. از سوی دیگر کسانی چون ابو جعفر مخزومی (د. ۱۳۰ هـ ق) در مدینه و یعقوب حضرمی (د. ۲۰۵ ق) در بصره دارای قرائت رایج و مشهوری بوده‌اند و اگر ابن مجاهد به دنبال جمع‌آوری قرائت مشهور بود باید قرائت ایشان را نیز رسمیت می‌بخشید. در این جا باید توجه داشت که کوفه از لحاظ قرایی اهمیت زیادی داشته است. چون از سویی قرائت ابن مسعود در

کوفه پایه‌گذاری شد، از سوی دیگر قرائت علی عليه السلام و شاگردان وی در کوفه پایگاه داشته است. عثمان نیز با فرستادن مصحف امام خود به کوفه ردپایی از قرائت در کوفه ایجاد کرده بود که ابن مجاهد به همه این موارد عنایت داشته است. در عین حال پژوهشگران با توجه به قرینه‌هایی بر این باورند که ابن مجاهد از تعالیم نحویان کوفی به ویژه فراء تأثیر زیادی پذیرفته و همین تمایلات کوفی گرایانه باعث شد وی به قاریان این شهر اهمیت بیش‌تری بدهد (پاکت‌چی ۱۳۷۰: ج ۴، ۵۸۳-۵۸۱).

۴. مخالفان ابن مجاهد در انتخاب قرائت سبع

بیش‌تر بیان شد که برخی قاریان بغداد معیارهای ابن مجاهد در قرائت را نپذیرفتند و مورد توبیخ حکومت قرار گرفتند. با توجه به این‌که ابن شنبوذ، سازگاری قرائت با رسم‌الخط و ابن مقسم صحت سند را شرط صحت قرائت نمی‌دانستند درمی‌یابیم که این دو شرط از نظر وی برای صحت قرائت لازم بوده است. از سوی دیگر، وی به سازگاری با قواعد نحو عربی اهمیت می‌داده است. (نک. السبعه) ولی شهرت بومی قاری از نظر وی شاخص مهمی در گزینش بوده با این همه وی قرائت یعقوب و ابو جعفر را که شهرت زیادی در بصره و مدینه داشتند، انتخاب نکرد، که همین امر موجب اعتراض‌هایی نسبت به وی شد. مخالفان می‌پرسیدند قرائت یعقوب و کسایی از لحاظ دارا بودن شروط سه‌گانه چه تفاوتی دارند. برخی از انتقادهای نیز مربوط به انحصار قرائت معتبر به عدد هفت است. زیرا دلیل موجهی در عقل و نقل ندارد (ابن جزری [سی‌تا]: ج ۱، ۴۳-۳۶). بجز این موارد انتقادهای دیگری نیز به گزینش ابن مجاهد صورت گرفت. (معرفت ۱۳۹۷: ج ۲، ۲۳۲) اما در این میان مخالفت دو حوزه خراسان و مصر از همه قابل توجه‌تر است.

خراسان

از آن‌جا که در بین قاریان ایرانی اختیارگرایی در قرائت رواج داشت، حرکت ابن مجاهد در خراسان به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. ابوبکر احمد بن حسین بن

مهران نیشابوری (۳۸۱-۲۹۵ هـ ق) قاری مشهور خراسان و اولین مؤلف در بارهٔ قرآات دهگانه از شمار کسانی است که بر انتخاب ابن مجاهد خرده گرفت. ابن مهران از قاریان برجسته‌ای است که از استادان این علم در شهرهای نیشابور، سمرقند، عراق و شام بهره گرفته (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۵۰-۴۹) و شاگردان زیادی داشته است. پس از آن که در حدود سال ۳۰۰ق، ابن مجاهد قرآات هفتگانه را رسمیت بخشید و نظریهٔ او تا حدود نیم قرن بر عالم قرائت حاکم بود، ابن مهران با تألیف اثر خود با عنوان الشامل قرآات عشر را مطرح ساخت و افزون بر آن هفت قرائت، قرائت یعقوب و ابوجعفر و خلف بن هشام را نیز تأیید کرد. ابن مهران پس از آن کتاب الغایه فی القراءات، را نیز در کنار قرآات عشر، اختیار ابوحاتم سجستانی مورد عنایت قرار داده است (همان: ج ۱، ۱۴۶) و به احتمال منظور وی آن بوده که عدد خاصی مطرح نشود. شاگرد وی اندرابی نیز در الايضاح قرائت ابن محیصن و ابو عبید را به این یازده اضافه کرد. (اندرابی ۱۴۰۷: ۷۵). پس از ابن مهران نصر بن عبدالعزیز فارسی (د. ۴۶۱ هـ ق) و ابوکرم شهروزی (د. ۵۵۰. ق) و از همه مهم‌تر ابن جزری (د. ۸۳۳ هـ ق) به تألیف درباب قرآات دهگانه پرداختند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مصر

حوزهٔ دیگری که با گزینش ابن مجاهد مخالفت می‌کند حوزهٔ مصر است. چنان‌که پیش‌تر بیان شد در مصر تا اواخر قرن چهارم قرائت نافع به روایت روش مصری قرائت غالب بوده است. (ابن جزری [بی‌تا]: ج ۱، ۱۴۱). در اواخر قرن چهارم با حضور دو عالم مهاجر از حلب: عبدالمنعم بن غلبون (د. ۳۸۹ هـ ق) و پسرش طاهر، حوزه قرائت مصر به حوزه پرتوانی تبدیل شد (پاکت چی ۱۳۷۰: ج ۹، ۴۶۹).

ابوالحسن طاهر بن عبدالمنعم بن عبیدالله ابن غلبون (متوفی ۳۹۹ هـ ق) مُقَری شافعی در مصر به عنوان استاد معتبر قرائت شناخته شده بود. وی افزون بر استادان مصر از محضر علمای قرائت در عراق (بصره، بغداد) و حلب بهره برده است (ذهبی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۹۷). ابن غلبون، یعقوب را در کنار قاریان هفتگانه به عنوان قاری هشتم جای

داد و کتابی به نام التذکره در باره قراءات هشتگانه تألیف کرد. پس از وی ابوبکر احمد بن عبدالله بن ادریس کتابی به نام المختار و پس از او أبو الحسن علی بن جعفر رازی (د. ۴۱۰ هـ ق) کتابی به نام اختلاف القراء الثمانیه در باره قراءات هشتگانه تألیف کردند.

باید دانست پس از چندی تلاش‌هایی برای معرفی قراءات چهارده گانه صورت گرفت و حسن بصری (د. ۱۱۰ هـ ق)، ابن محیصن (د. ۱۲۳ هـ ق)، یحیی بن مبارک یزیدی (د. ۲۰۲ هـ ق) و بوالفرج شنبوذی (د. ۳۲۸) به قاریان دهگانه اضافه شدند. (صبحی صالح ۱۳۶۳: ۲۵۰) و میاطی بنا (د. ۱۱۱۷ هـ ق) در کتاب اتحاف فضلاء البشر فی القراءات اربع عشر قراءات چهارده گانه را مطرح می‌کند. این قراءات، هر یک با دو روایت در مجموع بیست و هشت قرائت مجاز را مطرح کرده‌اند (معرفت ۱۳۹۷: ۱۳۴). گفتنی است که در بین عامه مردم، فقط یک قرائت رواج دارد. به همین سبب است که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «قرآن را به همان گونه که مردم می‌خوانند قرائت کنید» (کلینی ۱۳۶۷: ج ۲، ۶۳۳).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه

از مجموع این مطالعات می‌توان این طور نتیجه گرفت که مؤلفه‌های مؤثر در پیدایش و رسمیت یافتن قراءت‌های هفتگانه عبارت‌اند از:

- شخصیت علمی برجسته و ممتاز ابن مجاهد؛
- پایبندی ابن مجاهد به مکتب کوفه در نحو و قرائت؛
- نفوذ سیاسی ابن مجاهد و نزدیکی وی با وزرای حکومت عباسی. علاقه عمومی حکومت به پایان دادن به اجتهاد در زمینه همه علوم؛
- موقعیت ممتاز شهر بغداد و علمای آن در جهت‌دهی به سایر علماء؛
- زیرکی و فراست ابن مجاهد در شناخت و استفاده از موقعیت‌ها و دریافت علایق روانی اجتماعی مردم همعصر خود؛
- علاقه عمومی به از بین رفتن اختلاف در قرائت‌ها؛

به هر رو، با همه مخالفت‌هایی که صورت گرفت. قرائت سبع جایگاهی استوار یافت و به میان آمدن قرائت عشر و نظایر آن هرگز نتوانست «قرائت سبع» ابن مجاهد را در طول تاریخ از رونق بیندازد.

منابع و مأخذ

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۰)، «ابن قتیبه»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران.
- ابن الجزری [بی‌تا]، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، تصحیح علی محمد ضیاع، دارالفکر.
- ابن جوزی (۱۳۵۸)، المتظم فی تاریخ، الملوک و الامم، دایرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن.
- ابن خلکان (۱۹۴۸)، وفيات الاعیان، مکتبه النهضة المصریه مصر.
- «ابن مهران» - دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ابن ندیم (۱۳۶۸)، الفهرست، ترجمه تجدد.
- ابو حیان توحیدی (۱۹۶۴) البصائر و الذخائر، به کوشش ابراهیم کیلانی، دمشق.
- الاندلسی، محمد بن شریح (۲۰۰۰)، الکافی فی القراءات السبع، تحقیق احمد محمود عبدالسمیع الشافعی دارالکتب العلمیه، بیروت.
- اندرابی، احمد بن ابی عمر (۱۴۰۷)، قراءات القراء المعروفین، به کوشش احمد نصیف جنبی، بیروت.
- — (۱۳۸۱)، «اندلس» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، تهران.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۷۸)، صحیح البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- پاکت‌چی، احمد (۱۳۷۰)، «ابن مجاهد»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران.
- — (۱۳۷۵)، تاریخ قرآن، انتشارات سمت، تهران.
- حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۷۲)، «ابوحاتم سجستانی»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، تهران.
- حسن ابراهیم حسن (۱۳۶۲)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ پنجم.
- خطیب بغدادی (۱۳۴۹)، تاریخ بغداد، قاهره.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۳۶۰)، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هریسی، قم.
- دانی، عثمان بن سعید (۱۹۳۰)، التیسیر، به کوشش اتو پرتسل، استامبول، ۱۹۳۰ م.
- دمیاطی، بناء، احمد بن محمد (۱۳۷۷) اتحاف فضلاء البشر فی قراءات اربع عشر، تصحیح و

تعليق على

- ذهبى، شمس الدين [بى تا]، معرفه القراء الكبار، تحقيق محمد سيد جادالحق، دارالكتب الحديثه مصر، بى تا ط ۱.
- زرکشی (۱۹۵۷)، البرهان فى علوم القرآن، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ط ۱.
- سزگين، فواد (۱۳۸۰)، تاريخ نگارش‌هاى ادبى، ج ۱، ترجمه مؤسسه نشر فهرستگان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، تهران.
- صبوحى صالح (۱۳۶۳)، مباحث فى علوم القرآن، قم، منشورات رضى.
- صدر، سيد حسن [بى تا]، تأسيس الشيعه الكرام لعلوم الاسلام، بغداد، ۱۹۵.
- ضيايى، على اكبر (۱۳۷۰)، «ابن شنبوذ»، دايرة المعارف بزرگ اسلامى، ج ۴، تهران.
- طبرى، محمدبن جرير (۱۹۷۲)، جامع البيان عن تاويل آى القرآن، دارالمعروفه، بيروت.
- طوسى، ابوجعفر (۱۳۵۱)، فهرست، انتشارات دانشگاه مشهد، به كوشش محمود راميان،
- — (۱۹۳۲) غاية النهاية، به كوشش برگشترسر، مكتبة الخانجى، مصر.
- فضلى، عبدالهادى [بى تا]، تاريخ قراءات قرآن كريم، ترجمه سيد محمد باقر حجتى، انتشارات اسوه.
- كلينى، محمد بن يعقوب (۱۲۶۷)، الكافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
- ماسينيون، لويى (۱۳۶۲)، مصايب حلاج، ترجمه سيد ضياءالدين دهشيرى، بنياد علوم اسلامى.
- محمد ضباغ، قاهره «مطبعة نهضة مصر».
- مشهد.
- معارف، مجيد (۱۳۷۴)، پژوهشى در تاريخ حديث شيعه، مؤسسه فرهنگى ضريح، تهران.
- معرفت، محمد هادى (۱۳۹۷)، التمهيد فى علوم القرآن، قم.
- — (۱۳۷۷)، مقدمه‌اى بر تاريخ اختلاف قراءت قرآن، مقالات و بررسى‌ها، دفتر ۶۳.
- مكى ابن ابى طالب [بى تا]، الابانه، تحقيق دكتور عبدالفتاح اسماعيل شلبى، قاهره، مطبعة الرساله.
- — (۱۳۵۰)، منجد المقرئين، قاهره، الوطنيه الاسلاميه.
- ياقوت حموى (۱۹۲۴)، معجم الادبا، تصحيح مرگليوث، مطبعة هنديه، مصر.
- Casanova, p. (1981), *Mohammed et la fin du monde*, Paris.
- Motzki, H (1978). *The Collection of the Quran*, der Islam.
- Paret, Rudy (1986). "Kiraa", *Encyclopedia of Islam*, volume V, Leiden, Brill.
- Welch, A.T (1986). "Kuran", *Encyclopedia of Islam*, volume V, Leiden, Brill.

